



انتشارات
نگو

موج ۲۰

مرحله‌ای
و جامع

ویژه آمادگی شرکت در امتحان‌های نهایی و نیم‌سال

عربی دوازدهم

(ریاضی-تجربی)

محسن آهوئی، عرفان جالیزی



امتحان‌های
شبیه‌ساز نهایی

امتحان‌های
نیم‌سال اول و
دوم

امتحان‌های
درس به درس

پاسخ‌های
تشریحی +
کلید تصحیح

نکات آموزشی
برای مرور

امتحان‌های
نهایی اخیر

مقدمه

«یا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ»

(دعای جوشن کبیر، فراز ۵۸)

احتمالاً وقتی همه‌مون با دریا مواجه می‌شیم، اولین چیزی که توجه‌مون رو به خودش جلب می‌کنه، موج‌های دریاست که هم صدای گوش‌نوازی داره و هم آرامشی مثال‌زدنی برامون به ارمغان میاره. شاید سؤالی که همیشه برامون پیش اومده این باشه که اصلاً چرا موج دریا انقدر آرامش‌بخشه؟ چرا موج دریا می‌تونه برای لحظات طولانی، آدم رو محو خودش کنه؟

راستش رو بخواین هیچ دلیل (یا به قول شما جَوْنَا فِکْت) علمی‌ای نتونستیم براش پیدا کنیم به‌جز: اول اینکه موج به یه پشتوانه عظیم به نام دریا تکیه زده و نمایان‌گر گوشه‌ای از پهنای دریاست و دوم این ویژگی خاص موج که خیلی تکرار می‌شه، خیلی پشتِ همه، اصلاً یه جورایی نمی‌ذاره به آدم احساس خلأ دست بده.

خب؟ این همه راجع به «موج» حرف زدیم که بگیم کتاب «موج ۲۰ عربی دوازدهم» همون دو تا ویژگی رو داره که موج دریا داره؛ یعنی هم به یه پشتوانه محکم تکیه زده (می‌دونید که منظورمون کتاب عربی دوازدهم تمامه دیگه!) و هم انقدر با آزمون‌های مبحثی و نیم‌سال و پایان‌سال و شبه‌نهایی، مطالب رو تکرار می‌کنه که اون آرامش روزهای قبل از امتحان نهایی‌تون رو تضمین می‌کنه.

کتاب «موج ۲۰ عربی دوازدهم» بر اساس آخرین تغییرات کتبی و کیفی امتحان نهایی نگارش شده؛ از ایجاد تغییرات جدی در ترجمه‌ها تا درک مطلب‌هایی که عین متن کتاب نیستن و اگه ما قبلش، چندین و چند بار این مدل آزمون‌ها رو ندیده باشیم، می‌تونن برامون دردسرهای جدی‌ای ایجاد کنن. به نظر ما، رسالت اصلی این کتاب اینه که کاری کنه شما قبل از امتحان نهایی، چند بار امتحان نهایی بدید، تصحیح کنید، رفع اشکال کنید و سرانجام، با کوله‌باری از آزمون و خطا، تجربه و آگاهی، به امتحان نهایی پا بذارید. در این کتاب تلاش کرده‌ایم تا

۱ آزمون استاندارد درس به درس با استفاده از منتخب سؤالات امتحانات نهایی ادوار گذشته به همراه پاسخ‌نامه کاملاً تشریحی تألیف شود.

۲ آزمون استاندارد نیم‌سال اول و دوم با رویکرد تماماً تألیفی به همراه پاسخ‌نامه تشریحی تدوین شود.

۳ آزمون استاندارد شبه‌نهایی (کل کتاب) با رویکرد تماماً تألیفی به همراه راهنمای تصحیح تنظیم گردد.

۴ ۱۰ آزمون منتخب امتحانات نهایی سنوات اخیر به همراه کلید اداره کل ارزشیابی آموزش و پرورش گردآوری شود.

در پایان لازم می‌دانیم از همکاران ارزشمندان در انتشارات الگو، سرکار خانم ستین مختار مدیر واحد ویراستاری و حروفچینی و سرکار خانم مریم احمدی برای حروفچینی و صفحه‌آرایی کتاب، تشکر و قدردانی نماییم. همچنین از سرکار خانم منیژه خسروی که زحمت ویراستاری علمی کتاب را تقبل فرمودند، سپاسگزاری می‌نماییم.

مع الوصف، از تمام صاحب‌نظران، اساتید گران‌قدر و دانش‌آموزان تلاش‌گر سراسر کشور خواهشمندیم، این اثر را از انتقادات و پیشنهادات سازنده خویش محروم نسازند و ما را در بهبود اثربخشی آن، یاری کنند.

یا علی

دوستانراتان: محسن آهویی - عرفان جالیزی

فهرست مطالب

آزمون‌های درس به درس و نیم‌سال

آزمون ۱: درس اول	۲
آزمون ۲: درس اول	۵
آزمون ۳: درس دوم	۷
آزمون ۴: درس دوم	۹
آزمون ۵: نیم‌سال اول (۱)	۱۱
آزمون ۶: نیم‌سال اول (۲)	۱۳
آزمون ۷: نیم‌سال اول (۳)	۱۵
آزمون ۸: نیم‌سال اول (۴)	۱۷
آزمون ۹: نیم‌سال اول (۵)	۱۹
آزمون ۱۰: نیم‌سال اول (۶)	۲۱
آزمون ۱۱: درس سوم	۲۳
آزمون ۱۲: درس سوم	۲۵
آزمون ۱۳: درس چهارم	۲۷
آزمون ۱۴: درس چهارم	۲۹
آزمون ۱۵: نیم‌سال دوم (۱)	۳۱
آزمون ۱۶: نیم‌سال دوم (۲)	۳۳

آزمون‌های شبه‌نهایی و نهایی

آزمون ۱۷: کل کتاب (۱) - شبه‌نهایی	۳۵
آزمون ۱۸: کل کتاب (۲) - شبه‌نهایی	۳۷
آزمون ۱۹: کل کتاب (۳) - شبه‌نهایی	۳۹
آزمون ۲۰: کل کتاب (۴) - شبه‌نهایی	۴۱
آزمون ۲۱: کل کتاب (۵) - شبه‌نهایی	۴۳
آزمون ۲۲: کل کتاب (۶) - شبه‌نهایی	۴۵
آزمون ۲۳: کل کتاب (۷) - نهایی خرداد ۱۴۰۲	۴۷
آزمون ۲۴: کل کتاب (۸) - نهایی شهریور ۱۴۰۲	۴۹
آزمون ۲۵: کل کتاب (۹) - نهایی دی ۱۴۰۲	۵۱
آزمون ۲۶: کل کتاب (۱۰) - نهایی خرداد ۱۴۰۳	۵۳
آزمون ۲۷: کل کتاب (۱۱) - نهایی مرداد ۱۴۰۳	۵۵
آزمون ۲۸: کل کتاب (۱۲) - نهایی دی ۱۴۰۳	۵۷
پاسخ‌های تشریحی آزمون (۱ تا ۲۸)	۶۰
آزمون ۲۹: کل کتاب (۱۳) - نهایی خرداد ۱۴۰۴	۹۲
آزمون ۳۰: کل کتاب (۱۴) - نهایی شهریور ۱۴۰۴	۹۴
آزمون ۳۱: کل کتاب (۱۵) - نهایی دی ۱۴۰۴	۹۶
آزمون ۳۲: کل کتاب (۱۶) - نهایی تیر ۱۴۰۵	۹۸
پاسخ‌های تشریحی آزمون (۲۹ تا ۳۲)	۱۰۰

ردیف	امتحان نهایی: عربی ۳	رشته: ریاضی فیزیک - علوم تجربی	تألیفی	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه
نمره	سؤالات			
۱	تَرْجِمِ الكلمات التي تحتها خط: (الف) الغارُ يَقَعُ فوقَ قِمَّةِ جَبَلِ التَّوْرِ. (ج) السَّمَكَةُ تُطْلِقُ قطراتِ الماءِ مُتتالِيَةً. (ب) سَمَكَةُ التَّيْلَانِيا مِنْ أَغْرِبِ الأَسْمَاكِ. (د) فَاتَّصَلَ السَّيِّدُ مُسْلِمِي بِصَدِيقِهِ مُصْلِحِ السَّيَّارَاتِ.			
۲	عَيِّنِ المتضادَّ و المتترادفَ في النَّصِّ التَّالِي: «أبي الشابَّ إِسْتَطَاعَ أَنْ يَصْعَدَ أَعْلَى الجَبَلِ و لَكِنَّ جَدِّي العَجُوزَ في الطريقِ عَزَمَ أَنْ يَنْزِلَ مِنْهُ و قَدَّرَ أَنْ يَذْهَبَ إِلَى الفَنْدَقِ الَّذِي فِي هَذِهِ المَدِينَةِ لِلإِسْتِرَاحَةِ» (الف) = (ب) ≠ (ج) ≠			۰/۷۵
۳	عَيِّنِ الكَلِمَةَ الغَرِيبَةَ فِي المَعْنَى: (الف) الدَّم (۱) (الف) المَلَف (۲) (الف) العَظَم (۳) (الف) اللَّحْم (۴)			۰/۲۵
۴	اُكْتُبِ المَطْلُوبَ مِنْكَ: (الف) جمع كلمة «القَمَّة»: (ب) مُفْرَد كلمة «الحُجَّاج»:			۰/۵
۵	اِنتَخِبِ الكَلِمَةَ المُنَاسِبَةَ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ: (الف) مَكَانٌ لَطِيرَانِ الطَّائِرَاتِ فِي البَلَادِ: (الف) التَّلْفَاز (۱) (الف) الخِيَام (۲) (الف) المَطَار (۳) (ب) عَضُوٌّ مِنْ أَعْضَاءِ الجِسْمِ يَقَعُ فِي قِمْنَا: (الف) الأَسْنَان (۱) (الف) الأَكْتاف (۲) (الف) الأَعْيُن (۳)			۰/۵
۶	تَرْجِمِ الآيَاتِ و العِبَارَاتِ إِلَى الفَارْسِيَّةِ: (الف) «... رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الآخِرَةِ حَسَنَةً...» (۵/۵) (ب) «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً» (۵/۷۵) (ج) مَنْ أَذْنَبَ وَ هُوَ يَضْحَكُ، دَخَلَ النَّارَ وَ هُوَ يَبْكِي. (۵/۵) (د) إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ أَوَّلَى آيَاتِ الْقُرْآنِ عَلَى النَّبِيِّ فِي غَارِ حِرَاءَ. (۵/۵) (هـ) هُوَاهُ سَمَكَةُ السَّهْمِ مُعْجِبُونَ بِهِذِهِ السَّمَكَةِ. (۵/۵) (و) الْجَرَّارَةُ هِيَ السَّيَّارَةُ الَّتِي تُسْتَخْدَمُ لِلْعَمَلِ فِي المَزْرَعَةِ. (۵/۵) (ز) يَشْتَأَقُ كُلُّ الْمُسْلِمِينَ إِلَى الْحَجِّ حِينَ يُشَاهِدُونَ الْحُجَّاجَ فِي التَّلْفَازِ. (۵/۷۵) (ح) كَأَنَّ رَجُلًا أَحَدَ الْمُتَفَرِّجِينَ تَوَلَّيَهَا وَ هُوَ لَا يَسْتَطِيعُ صُعُودَ أَعْلَى الجَبَلِ. (۵/۷۵) (ط) هَلْ رَأَيْتُمَا غَارَ ثَوْرٍ الَّذِي لَجَأَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ (ص) فِي طَرِيقِ هِجْرَتِهِ؟ (۵/۷۵) (ي) وَصَلَ الرُّوَّارُ إِلَى الْمَطَارِ مُتَأَخِّرِينَ وَ مَا رَكِبُوا الطَّائِرَةَ. (۵/۷۵) (ك) إِلَهِي عَامِلُنَا بِفَضْلِكَ وَ لَا تَعَامِلُنَا بِعَدْلِكَ. (۵/۷۵)			۷
۷	اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجِمَةِ: (الف) هَذِهِ الأَسْمَاكُ تَأْكُلُ الفَرَّائِسَ حَيَّةً. (الف) این ماهیان شکارهای زنده را می‌خورند. (الف) رَأَيْتُ الفَلَاحَ وَ هُوَ يَجْمَعُ المَحْصُولَ. (الف) کشاورزی را دیدم که محصول را جمع می‌کند. (الف) كَمَلُ الفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الفَارْسِيَّةِ: (الف) أَقْوَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عَدُوَّهُ مُقْتَدِرًا. (الف) بِيخشد. (الف) أَتَذَكَّرُ جَبَلَ التَّوْرِ الَّذِي كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَتَعَبَّدُ فِيهِ. (الف) کوه نور را که پیامبر در آن می‌پرستید.			۰/۵
۸	كَمَلُ الفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الفَارْسِيَّةِ: (الف) أَقْوَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عَدُوَّهُ مُقْتَدِرًا. (الف) بِيخشد. (الف) أَتَذَكَّرُ جَبَلَ التَّوْرِ الَّذِي كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَتَعَبَّدُ فِيهِ. (الف) کوه نور را که پیامبر در آن می‌پرستید.			۱

ردیف	سؤالات	نمره
٩	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ: «امْتَنَعَ: خودداری کرد» (الف) كَانَ قَدْ امْتَنَعَ: (خرداد ٩٩) (ب) لَا تَمْتَنِعُوا: (خرداد ٩٩) (ج) قَدْ تَمْتَنِعُونَ: (د) لَمْ أَتَذَكَّرْ بَعْضَ ذِكْرِيَاتِي: (هـ) لَا يَتَذَكَّرُوا الْبَاطِلَ: (و) تَذَكَّرُوا أَيَّامَ شَبَابِكُمْ:	١/٥
١٠	عَيِّنِ الْحَالَ فِي الْجُمَلَاتِ التَّالِيَةِ ثُمَّ تَرْجِمِ: (الف) «... وَ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» (ب) جَاءَ صَدِيقُهُ وَ هُوَ يَجُرُّ سَيَّارَةً بِالْجَزَارَةِ.	١
١١	إِبْحَثْ عَنْ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ فِي الْجُمَلِ: أَخَذَ السَّيَّارَةَ إِلَى مَوْقِفِ التَّصْلِيحِ. (دى ٩٨) - مَنْ عَاشَ بِوَجْهِينِ، مَاتَ خَاسِرًا. - أَتَمَنَّى أَنْ أَتَشَرَّفَ إِلَى مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ. - أُولَى آيَاتِ الْقُرْآنِ نَزَلَتْ عَلَى النَّبِيِّ فِي غَارِ حِرَاءٍ. (الف) اسم التفضيل (ب) اسم المكان (ج) اسم الفاعل (د) اسم المفعول (هـ) اسم مبالغة تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (و) هَذَا الْمَزَارِعَ رَجُلٌ صَبَإٌ وَ مُحَقَّرَمٌ.	٢
١٢	عَيِّنِ مَا فِيهِ الْحَالُ: (١) لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهَدُوا أَصْنَافَهُمْ مُكْسَرَةً. (٢) شَاهَدْتُ جَمَاعَةً مِنَ الْمُتَفَرِّجِينَ الْمَسْرُورِينَ أَمَامَ الْمَلْعَبِ.	٥/٢٥
١٣	عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) (الف) أَخَذْتُ سَيَّارَةَ أَبِي إِلَى مَوْقِفِ التَّصْلِيحِ. (ب) عِنْدَمَا أَرَى صُورَ الشُّهَدَاءِ فِي التَّلْفَازِ يَجْرَى سِي عَلَى أُعْيُنِي. (ج) عِنْدَ الْأَمْرَاضِ الصَّعِيَةِ قَدْ نَلَجْنَا إِلَى	٥/٧٥
١٤	أَكْمِلِ الْفَرَاغَ بِمَا يَكُونُ حَالًا: (الف) الطَّالِبَةُ مَظْلُومَةٌ. (أَصْبَحْتُ، سَاعَدْتُ، جَلَسْتُ) (ب) رَأَيْتُ الْفَلَاحِينَ (وَهُمْ يَجْمَعُونَ الْمَحَاصِيلَ، هُمْ يَجْمَعُونَ الْمَحَاصِيلَ، وَ يَجْمَعُونَ الْمَحَاصِيلَ) (ج) ذَهَبَ الطَّالِبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ (فَرَحَةً، مَاشِيًا، هُوَ مَسْرُورٌ)	٥/٧٥
١٥	عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ: (الف) يَبْقَى الْمُحْسِنُ حَيًّا وَ إِنْ نُقِلَ إِلَى مَنَازِلِ الْأَمْوَاتِ. (ب) هَذِهِ السَّمَكَةُ تَبْلَعُ صِغَارَهَا عِنْدَ الْخَطَرِ.	٥/٧٥
١٦	عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ: (الف) يُشَجِّعُ: (١) فَعْلٌ مُضَارِعٌ «مَصْدَرُهُ: تَشْجِيعٌ»، حُرُوفُهُ الْأَصْلِيَّةُ «ش ج ع» / فَعْلٌ وَ فَاعِلُهُ «الْمُتَفَرِّجُونَ» (٢) فَعْلٌ مُضَارِعٌ، مَفْرُودٌ مَذَكَّرٌ غَائِبٌ، مَجْهُولٌ / فَعْلٌ وَ جُمْلَةٌ فَعْلِيَّةٌ (ب) مَسْرُورِينَ: (١) اسم، جمعٌ مذكَّرٌ سَالِمٌ، مُعْرِفَةٌ / صِفَةٌ (٢) اسم، جمعٌ سَالِمٌ، نَكْرَةٌ، اسمُ الْمَفْعُولِ / حَالٌ	٥/٥
١٧	إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: لِلتَّمْسَاحِ صَدِيقٌ مُخْلِصٌ مِنَ الطَّيُورِ، نَرَى بَيْنَهُمَا تَعَامُلًا عَجِيبًا. هَذِهِ الطَّيُورُ تَدْخُلُ فِي فَمِ التَّمْسَاحِ لِتَجْمَعَ بِمَقَارِهَا كُلَّ مَا عُلِقَ بَيْنَ أَسْنَانِ ذَلِكَ الْحَيَوَانِ مِنَ الطَّعَامِ وَ تَأْكُلُهُ. فَلَا خَطَرَ يَهْدُودُهَا فِي الدَّخُولِ إِلَى فَمِ هَذَا الْحَيَوَانِ. (الف) هَلْ يَوْجَدُ تَعَامُلٌ بَيْنَ الطَّيُورِ وَ التَّمْسَاحِ؟ (ب) لِمَ تَدْخُلُ الطَّيُورُ إِلَى فَمِ التَّمْسَاحِ؟ (ج) مَاذَا عُلِقَ بَيْنَ أَسْنَانِ التَّمْسَاحِ؟ (د) عَيِّنِ الصَّحِيحَ حَوْلَ التَّمْسَاحِ: (١) صَدِيقُ الطَّيُورِ. (٢) يَأْكُلُ الطَّيُورَ سَرِيعًا. التَّمْسَاحُ	١
٢٠	مَوْقِفٌ بِاشِيدٌ.	

ردیف	امتحان نهایی: عربی ۳	رشته: ریاضی فیزیک - علوم تجربی	تألیفی	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه
نمره	سؤالات			
۱	۱ ترجم الكلمات التي تحتها خط: (الف) مَنْ عاشَ بوجهين، ماتَ خاسراً. (ب) لا لباسَ أجملَ مِنَ العافية. (ج) إِنَّ سيارتنا الغاليةَ معطلةٌ. (د) يَوْمَ البعثِ يَوْمَ الحسرةِ للكفار.			
۲	عین المتضاد و المترادف في النص التالي: «إِنَّ السَّيِّدَ مُسْلِمِي رَجُلٌ صَادِقٌ لَكِنَّ أَخَاهُ كاذِبٌ. مَنْ أَذْنَبَ وَهُوَ يَضْحَكُ، دَخَلَ النَّارَ وَهُوَ يَبْكِي. بَيْتٌ صَدِيقِي قَرِيبٌ مِنْ دَارِ مُدِيرِ الْمَدْرَسَةِ.» (الف) = (ب) ≠ (ج) ≠			۰/۷۵
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: (۱) الذَّهَبُ (۲) العَظْمُ (۳) النَّحَاسُ (۴) الْفِضَّةُ			۰/۲۵
۴	أَكْتُبِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ: (الف) جَمْعُ كَلِمَةِ «الْقَرْيَةُ»: (ب) مُفْرَدُ كَلِمَةِ «السَّيَّاح»:			۰/۵
۵	اِنتَخِبِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ: (الف) مَفْسُودَةٌ يَتَّبَعُ الْمُؤْمِنُ عَنْهَا: (۱) الإِحْسَانُ (۲) اللَّحْمُ (۳) الْقُضْبُ (ب) سَيَّارَةٌ نَسْتَعْدِمُهَا لِلْعَمَلِ فِي الْمَزْرَعَةِ: (۱) الطَّائِرَةُ (۲) الْجَزَارَةُ (۳) النَّظَّارَةُ			۰/۵
۶	تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (الف) «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» (۰/۵) (ب) لَا قُدْرَةَ لِلصَّنَمِ عَلَى مُسَاعَدَتِكُمْ. (۰/۵) (ج) لَمْ يَصِلِ الْمُسَافِرَانِ إِلَى الْمَطَارِ مُتَأَخِّرِينَ فَرَكِبَا الطَّائِرَةَ. (۰/۵) (د) لَا يُحَرِّقُ النَّاسُ مَنْ يُرِيدُ أَنْ يُنْقِذَهُمْ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. (۰/۷۵) (هـ) لَعَلَّ مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَجْعَلُ التَّوْفِيقَ حَقًّا فِي الْحَيَاةِ. (۰/۷۵) (و) لَيْتَ التَّمَائِيلَ الْمَصْنُوعَةَ مِنَ الْأَحْجَارِ لَا تُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ. (۰/۷۵) (ز) نَقَطَعَ الْأَخْشَابَ بِأَلَةٍ تَكُونُ سِتْهَا الْعَرِضَةُ مِنَ الْحَدِيدِ. (۰/۷۵) (ح) أَتَزَكُوا الشَّعَائِرَ الْخُرَافِيَّةَ لِكَيْ تَبْقُوا فِي الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ. (۰/۷۵) (ط) مَنْ لَا يَرْحَمِ النَّاسَ لَا يُرْحَمُ. (۰/۵) (ي) يَذْكُرُ أَسَاتِذُ تَلَامِيذِهِ الْقَدَمَاءَ. يَكُونُ الْأُسْتَاذُ مِنْ أَقْرَبَائِي. (۰/۵) (ث) لِنَتَأَكَّدَ سَمَكَةَ التِّلَابِيَا مِنْ إِنْقَاذِ صِغَارِهَا تَبْلُعُهَا عِنْدَ الْخَطَرِ. (۰/۷۵)			۷
۷	اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ: (الف) «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (۱) از صبر و نماز کمک خواستند. (ب) أَنْتَ تَعْلَمِينَ أَنَّ رَجُلِي تَوَلَّيْنِي. (۲) تو می دانی که پاهایم درد می کند. (۱) تو می دانستی که پاهایم درد می کرد.			۰/۵
۸	كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: (الف) أَقْوَى النَّاسِ يَعْفُو عَدُوَّهُ مُقْتَدِرًا. (ب) سَمَكَةُ السَّهْمِ تُحِبُّ أَنْ تَأْكُلَ الْقِرَائِسَ الْحَيَّةَ. مردم دشمنش را با اقتدار ماهی دوست دارد که زنده را بخورد.			۱

ردیف	سؤالات	نمره
٩	تَرْجِمِ الأفعال التالية: «تَذَكَّرَ: به یاد آورد» الف) لَنْ يَتَذَكَّرَ جَدُّكَ بَعْضَ ذِكْرِيَاتِهِ. (ب) تَذَكَّرُوا ذِكْرِيَاتِ الْحَيِّ رَجَاءً. (ج) تَذَكَّرْنِي أَسْتَاذُ الْجَامِعَةِ. «قَرَأَ: خواند» د) إِنْ تَقْرَأْ دَرَسَكَ تَنْجَحْ فِي الْإِمْتِحَانِ. (هـ) الطَّالِبَتَانِ تَقْرَأَانِ دُرُوسَهُمَا مُجَدَّتَيْنِ. و) سَوْفَ نَقْرَأُ دُرُوسَنَا. «شاهد: دید» ز) لَمْ أَشَاهِدْ صُوراً مِنْ ظَاهِرَةِ مَطَرِ السَّمَكِ. (ح) جَلَسْنَا أَمَامَ التِّلْفَازِ وَ نَحْنُ نُشَاهِدُ الْحُجَّاجَ.	٢
١٠	عَيِّنِ الفعل المناسب للفرغ: الف) إِخْوَتِي بِجَوْلَةٍ عِلْمِيَّةٍ فِي الْإِنْتَرْنِتِ. (١) قَامَ (٢) قَامَتْ (٣) قَامُوا ب) إِنَّكَ عَلَى النَّاسِ. (١) لَا تَتَوَكَّلْ (٢) لَا تَتَوَكَّلُونَ (٣) لَا تَتَوَكَّلِينَ ج) يَا مُؤْمِنُونَ اسْمِ اللَّهِ عَلَى الطَّعَامِ. (١) أَذْكُرِي (٢) أَذْكُرُوا (٣) أَذْكُرْنَ د) يَا زَمِيلَاتِي شَيْئاً عَلَى الْجِدَارِ. (١) لَا تَكْتُبِي (٢) لَا تَكْتُبَا (٣) لَا تَكْتُبْنَ	١
١١	عَيِّنِ العبارة التي فيها لا النافية للجنس: (١) لِمَاذَا لَا تُحَسِّنِ إِلَى النَّاسِ؟ (٢) لَا تَنْصُرِ الَّذِي يَظْلِمُ لِلْمُوَاطِنِينَ. (٣) لَا صَدِيقَ لَكَ لِأَنَّكَ مُخْتَالٌ.	٥/٢٥
١٢	عَيِّنِ ما فيه حرفٍ مِنَ الحُرُوفِ المشبهة بالفعل: (١) إِنْ تَصْعَدُوا جَبَلَ التَّوْرِ فَأَنْتُمْ أَقْوِيَاءُ. (٢) مَا سافَرْتُ إِلَى إِيْرَانٍ لِكُنْتِي أُحِبُّ الْمَسَافِرَةَ إِلَيْهَا. (٣) يُحَاوِلُ الْعُلَمَاءُ أَنْ يَعْرِفُوا سِرَّ ظَاهِرَةِ غَرِيبَةٍ.	٥/٢٥
١٣	عَيِّنِ المَحَلَّ الإِعْرَابِيَّ للكلمات التي تحتها خط: الف) ازدادت الخرافات في أديان الناس. (ب) إِنَّهَا تُطْلِقُ قَطَارَاتِ الْمَاءِ مُتَتَالِيَةً مِنْ فَمِهَا إِلَى الْهَوَاءِ. ج) تكذبون على سائر الناس وأنتم مسلمون. (د) الْعُمَالُ مَشْغُولُونَ بِصُنْعِ الْكِرَاسِيِّ الْخَشَبِيَّةِ.	٢
١٤	إِبْحَثْ عَنْ هذه الأسماء في الجمل : يَتَرَكُ الزَّجَلُ الْمُؤَخَّذَ الْمُعْبَدَ بَعْدَ تَكْسِيرِ الْأَصْنَامِ. - لَا سَوْءَ أَسْوَءٍ مِنَ الْكُذْبِ. - لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكَسَّرَةً. الف) اسم المفعول (ب) اسم المكان (ج) اسم الفاعل (د) اسم التفضيل تَرْجِمِ ما تحته خط: هـ) «جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ» (و) تَمْنَى الْمُرَارِعُ: لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيراً.	١/٥
١٥	عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: (كلمتان زائدتان) الف) تَارِكٌ لِلْبَاطِلِ. (ب) الْكَتْفُ غُصُو يَقَعُ الْجَذَعِ. (الكافِرُ / أَسْفَلَ / الْخَنِيفُ / أَعْلَى)	٥/٥
١٦	إِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنْ الْأَسْئَلَةِ التالية: شَاهِدُ مُحَمَّدٌ شَاباً مُتَكَبِّراً فِي الْمَلْعَبِ كَانَ أَبَاهُ مِنَ الْمَسْئُولِينَ. فَافْتَحَرَ بِنَسَبِهِ وَ طَلَبَ مِنَ الْآخَرِينَ أَنْ يَحْتَرِمُوهُ. فَجَاءَ مُحَمَّدٌ عِنْدَ الشَّابِّ وَ نَصَحَهُ بِعَدَمِ الْفَخْرِ بِالنَّسَبِ وَ قَالَ لَهُ: إِيْلَمْ أَنَّ النَّاسَ لَأُمٌّ وَ لَأَبٍ. فَإِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ وَ حَيَاءٍ وَ عِفَافٍ وَ أَدَبٍ. الف) مَنْ خَاطَبَهُ مُحَمَّدٌ؟ (ب) مَاذَا طَلَبَ الشَّابُّ الْمُتَكَبِّرُ مِنَ السَّائِرِينَ؟ ج) هَلْ يَكُونُ الْفَخْرُ بِالْعِفَافِ مَذْمُوماً؟ (د) عَيِّنِ الْخَطَأَ عَنْ الَّذِي كَانَ يَفْخَرُ بِالنَّسَبِ: (١) هُوَ كَانَ مِنَ الْمُتَوَاضِعِينَ. (٢) كَانَ وَالِدُهُ مِنَ الْمَسْئُولِينَ.	١
٢٠	موفق باشيد.	

امتحان نهایی: عربی ۳	رشته: ریاضی فیزیک - علوم تجربی	تألیفی	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه
ردیف	سؤالات		نمره
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (الف) يُحْفَرُ التُّرَابُ الْجَافُ لِيَصِيدَ نَوْعَ السَّمَكِ. (ب) لِمَ لَا نُوْجَدُ مَدْرَسَةً ثَانَوِيَّةً فِي قَرْيَتِنَا؟ (ج) هَلْ فَاصَتْ عَيْنُ الْكَافِرِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ؟ (د) الْحَاجُّ اسْتَلَمَ الْحَجَرَ بِالْكَعْبَةِ الشَّرِيفَةِ.		(شهریور ۱۴۰۳)
۲	عَيْنِ الْمُتَضَادِّ وَ الْمُتَرَادِفِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ: «الاعمالُ الصَّعْبَةُ الَّتِي نُحْسِنُهَا سَتُغَيِّرُ الظُّرُوفَ الْقَاسِيَةَ. مَنْ أَعَانَ الْفُقَرَاءَ نَصَرَهُ اللَّهُ. وَجَدَ الشَّرْطِيُّ مَحَلَّ اخْتِفَاءِ الْمُجْرِمِ فانتظر ظهوره.» (الف) = (ب) = (ج) ≠ (د) =		۰/۷۵
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْقَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: (۱) السَّلَام (۲) الصُّلْح (۳) النَّزَاع (۴) السَّكِينَةُ		۰/۲۵
۴	اُكْتُبِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ: (الف) جَمْعُ كَلِمَةِ «الْحُلُم»: (ب) مُفْرَدُ كَلِمَةِ «السَّذَائِد»:		۰/۵
۵	اِنتَخِبِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ: (الف) حيوانٌ لَيْسَ لَهُ أَحْبَالٌ صَوْتِيَّةٌ: (۱) الزَّرَافَةُ (۲) الدُّبُّ (۳) الْفَأَرُ (ب) جِدَارٌ يَقُومُ الْعَمَالُ بِنَائِهِ: (۱) الْأَسَاوِرُ (۲) السَّوَارُ (۳) الشُّوَرُ		۰/۵
۶	تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (الف) ﴿لَا يَنَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ﴾ (۰/۵) (ب) لِيُقَيِّدَ الْعَاقِلُ الْعِلْمَ بِالْكَتَابَةِ لِأَنَّ الْعِلْمَ صَيْدٌ. (۰/۷۵) (ج) عَلَيْنَا بِالِدِّفَاعِ عَنِ الْوَطَنِ أَمَامَ الْأَعْدَاءِ الَّذِينَ يَهْجُمُونَ عَلَيَّ بِلَادِنَا هُجُومًا قَاسِيًا. (۰/۷۵) (د) لِمَ لَا تُصَدِّقُونَ أَنَّ عَدَدَ النَّمْلِ فِي الْعَالَمِ يَقُودُ عَدَدَ الْبَشَرِ بِمِلْيُونٍ مَرَّةً تَقْرِيبًا؟ (۰/۷۵) (هـ) كَلَّا هَذَيْنِ التَّلْمِيزَيْنِ يَكُونَانِ جَدِيرَيْنِ بِهَذِهِ الْمَسْئُولِيَّةِ. (۰/۵) (و) مَعْلُومَاتُنَا عَنْ طَيْسِفُونٍ كَثِيرَةٌ. فَهِيَ كَانَتْ عَاصِمَةَ السَّاسَانِيِّينَ. (۰/۵) (ز) هُنَاكَ عَيُونٌ لَا تَبْكِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۰/۵) (ح) اسْتَخْرَجْنَا الزَّيْتَ مِنْ كَبِدِ الْحَوْتِ اسْتَخْرَاجًا لِصِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ. (۰/۷۵) (ط) لَوْ لَا الْحَاكِمُ الظَّالِمُ لَرَغَبَ أَهْلُ الشَّامِ فِي زِينِ الْعَابِدِينَ (ع). (۰/۷۵) (ي) رَبُّ مُؤْمِنٍ يَسْتَرْ حَبَّةً لِأَهْلِ الْبَيْتِ (ع). (۰/۵) (ك) لَمْ يَتَصَحَّحْ أَعْضَاءُ أُسْرَتِي ذَلِكَ الْكِتَابَ النَّافِعَ إِلَّا وَالِدِي الْمُعَمَّرَ. (۰/۷۵)		۷
۷	اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ: (الف) مَنْ تَعَلَّمَ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مِنَ السُّيَّاحِ فَهُوَ مُجْتَهِدٌ. (۱) کسی که انگلیسی را از گردشگران بیاموزد، از افراد تلاشگر است. (۲) هرکس که انگلیسی را از گردشگران آموخت، کوشا است. (ب) يُقَالُ إِنَّ الْكِتَابَ الْمُفِيدَ يَزِيدُ قُوَّةَ الْإِنْسَانِ عَلَى الْفَهْمِ. (۱) گفته می‌شود همانا کتاب سودمند، نیروی انسان بر فهم را افزایش می‌دهد. (۲) می‌گویند که کتاب سودمند، نیروی انسان بر فهم را زیاد می‌کند.		۰/۵

ردیف	سؤالات	نمره
۸	كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: (الف) اَعْلَمُوا أَنَّ جَذْبَ الْغِذَاءِ الْمُنَاسِبِ مِنْ مَزَايَا كُلِّ جِسْمٍ قَوِيٌّ. که جذب کردن غذای مناسب از مزیت‌های بدن نیرومندی است. (ب) لَكَ تَجَارِبٌ قِيَمَةٌ لَكِنَّ التَّجَارِبَ لَا تُغْنِيكَ عَنِ الْكُتُبِ. تجربه‌های ارزشمندی، اما این تجربه‌ها تو را از کتاب‌ها	۱
۹	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ: «دَرَسَ: درس خواند، تحصیل کرد» (الف) قَدْ دَرَسْتُ وَالِدَتِي فِي هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ. (ب) لَمْ يَدْرِسِ الْعَقَادُ فِي جَامِعَةِ أَنْقَرَةَ. (ج) إِنْ تَدْرُسُوا جَيِّدًا تَصِلُوا إِلَى غَايَاتِكُمْ. «اجتهد: تلاش کرد» (د) لِيَجْتَهِدْ فِي الْمَجَالِ الثَّقَافِيِّ. (هـ) اجْتَهِدُوا فِي قِرَاءَةِ الْكُتُبِ النَّافِعَةِ. (و) لَا يَجْتَهِدُ الْكَسُولُ لِلْحُصُولِ عَلَى أَهْدَافِهِ. «واصل: ادامه داد» (ز) لَا تُوَاصِلِي الْإِصْرَارَ عَلَى الْخِلَافَاتِ. (ح) لَنْ يُوَاصِلَ حَبِيبِي دِرَاسَتَهُ فِي الْجَامِعَةِ.	۲
۱۰	إِبْحَثْ عَنْ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ فِي الْجُمْلِ: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» - لَا شَيْءَ أَحَقُّ بِالسَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ. - مَا شَاهَدْتُ فِي الْمَكْتَبَةِ إِلَّا أَحَدَ زُمَلَائِي. - الرَّجُلُ الْعَلَامَةُ أَكَلَ الطَّعَامَ الْمَطْبُوخَ وَ شَكَرَتْ الْمَرْأَةُ الَّتِي طَبَخَتْهُ. (الف) اسم المفعول (ب) اسم المكان (ج) اسم الفاعل (د) اسم التفضيل (هـ) اسم المبالغة تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (و) أَضْعَفُ النَّاسِ مَنْ ضَعُفَ عَنْ كِتْمَانِ سِرِّهِ. (ز) الْعُمَالُ الْمُجِدُّونَ يَشْتَغِلُونَ فِي الْمَصْنَعِ.	۲
۱۱	مَيِّزْ فِي الْعِبَارَتَيْنِ التَّالِيَتَيْنِ: لَا يَحْتَاجُ السَّمَكُ الْمَدْفُونُ إِلَى الْمَاءِ وَ الْهَوَاءِ احْتِيَاجَ الْأَحْيَاءِ. - لَا يَطْلُبُ الْمُؤْمِنُونَ الْحَاجَةَ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ. (الف) المُسْتَثْنَى مِنْهُ (ب) المُسْتَثْنَى (ج) المفعول المطلق (د) نوع المفعول المطلق	۱
۱۲	عَيِّنْ مَصْدَرًا يُعَيِّدُ التَّشْبِيهَ: (الف) أَنْكَرَ هَشَامٌ زَيْنَ الْعَابِدِينَ (ع) إِنْكَارًا. (ب) يَعْيِشُ الْبَخِيلُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ.	۵/۲۵
۱۳	عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (الف) مَدَّ رَجُلًا عَلَى قَدْرِ كِسَائِكَ. (ب) قَرَأْتُ الْكِتَابَ التَّارِيخِيَّ إِلَّا مَصَادِرَهُ.	۱/۲۵
۱۴	عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) (الف) شَخْصٌ يَكْتُبُ مَقَالَاتٍ فِي الصُّحُفِ. (ب) الْعَالِمُ الَّذِي لَهُ أَفْكَارٌ عَمِيقَةٌ وَ حَدِيثَةٌ. (المُصَحَّفُ / التَّفَكُّرُ / الصَّحْفِيُّ / الْمُفَكِّرُ)	۵/۵
۱۵	إِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ: هُنَاكَ طَائِرٌ يُسَمَّى «بِرْنَاكِل» يَبْنِي عُشَّهُ فَوْقَ جِبَالٍ مُرْتَفِعَةٍ بَعِيدًا عَنِ الْمُفْتَرَسِينَ. وَ عِنْدَمَا تَكْبُرُ فِرَاحُهُ، يُرِيدُ مِنْهَا أَنْ تَقْفِزَ مِنْ عُشِّهَا الْمُرْتَفِعِ. تَقْدِفُ الْفِرَاحُ نَفْسَهَا وَاحِدًا وَاحِدًا مِنْ جِبَلٍ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُهُ أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ مِترٍ. وَ تَصْطَدِمُ بِالصُّخُورِ عِدَّةَ مَرَّاتٍ. (الف) يَمُ تَصْطَدِمُ الْفِرَاحُ عِنْدَمَا تَقْفِزُ مِنَ الْعُشِّ؟ (ب) أَيْنَ يُصْنَعُ عُشُّ بِرْنَاكِل؟ (ج) أَيُّ طَائِرٍ يَطْلُبُ مِنْ فِرَاحِهِ الْقَفْزَ مِنَ الْوُكْتَةِ؟ (د) كَيْفَ تَقْدِفُ الْفِرَاحُ نَفْسَهَا مِنَ الْجِبَلِ الْمُرْتَفِعِ؟	۱
۱۶	عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ: «ذَهَبْنَا إِلَى الْبُسْتَانِ وَ أَكَلْنَا التُّفَاحَاتِ وَ الزُّمَانَاتِ.» (الف) ذَهَبْنَا: (۱) الفعل الماضي «لَهُ حَرْفٌ زَائِدٌ وَاحِدٌ»، لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ / فَعْلٌ وَ الْجُمْلَةُ فَعْلِيَّةٌ (۲) الفعل الماضي «مَصْدَرُهُ: ذَهَابٌ»، لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ / فَعْلٌ مَعَ فَاعِلِهِ جُمْلَةٌ فَعْلِيَّةٌ (ب) الْبُسْتَانِ: (۱) اسم، مفرد، مَعْرُوفٌ بِأَلْ / مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ (۲) الاسم المثنى، مَذْكُورٌ، مَعْرُوفَةٌ / مضافٌ إِلَيْهِ	۵/۵
۲۰	موفق باشید.	

ردیف	سؤالات	تألیفی	رشته: ریاضی فیزیک - علوم تجربی	امتحان نهایی: عربی ۳	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه
نمره					
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: الف) نَسْتَمِعُ إِلَى نَصَائِحِ الْعِلْمِ وَ نَعْمَلُ بِهَا. ب) رَجُلِي تَوَلَّمَنِي فَلَا أَصْعُدُ مِنَ الْجَبَلِ. ج) «لَا يَتَرَكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سُدىً» د) أَنَا وَائِقٌ أَنَّ مُطَالَعَةَ الْكُتُبِ تَنْفَعُكَ.				
۲	عَيْنِ الْمُتَضَادِّ وَ الْمُتَرَادِفِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ: «يَا إِلَهِي اجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي وَ نَصِيبِي فِي الْحَيَاةِ. أَكْبُرُ الْحَقِّ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَ الدَّمُّ. قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لُوَالِدِكَ وَ احْتَرِمِ أُمَّكَ.» الف) = ب) ≠ ج) ≠				۰/۷۵
۳	عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي الْمَعْنَى: الف) الْمَفْسَدَةُ ب) الْمَرْزَعَةُ ج) الْمَصْنَعُ د) الْمَطْعَمُ				۰/۲۵
۴	اُكْتُبِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ: الف) جَمْعُ كَلِمَةِ «الْوَجْهَ»: ب) مُفْرَدَ كَلِمَةِ «الْآلِهَةِ»:				۰/۵
۵	اِنتَخِبِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ: الف) جَعَلَهُ غَنِيًّا لَا حَاجَةَ لَهُ: (۱) إِشْتَقَّ (۲) تَذَكَّرَ (۳) أَغْنَى ب) الَّذِي لَا يَرْتَكِبُ الْمَعَاصِيَ: (۱) الْهَآوِي (۲) التَّقِي (۳) الضَّآئِرِ				۰/۵
۶	تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: الف) «لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا» (۰/۵) ب) «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (۰/۵) ج) اَعْتَقِدْ أَنَّ الْفِكْرَةَ الْوَاحِدَةَ إِذَا طَرَحَهَا أَلْفُ كَاتِبٍ أَصْبَحَتْ أَلْفَ فِكْرَةٍ. (۰/۷۵) د) ضَعُفَ أَخِي عَنْ كَيْتَمَانِ سِرِّهِ وَ هُوَ يُحَاوِلُ أَنْ يَسْتَرَهُ. (۰/۷۵) هـ) تَبَيَّنَا كَانَ يَبْعِدُ النَّاسَ الْأَصْنَامَ إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ خَنِيفٌ فِي الْمَعْبَدِ. (۰/۷۵) و) مَا أَنْكَرَ زَيْنَ الْعَابِدِينَ (ع) إِلَّا أَحَدَ خُلَفَاءِ بَنِي أُمَيَّةٍ. (۰/۷۵) ز) قَدْ نَالَ الْمُخْتَرِعُ الشَّابَّ جَوَائِزَ كَثِيرَةً. (۰/۵) ح) كَأَنَّكُمْ لَا تُحِبُّونَ لِإِخْوَانِكُمْ مَا تُحِبُّونَ لَأَنْفُسِكُمْ. (۰/۷۵) ط) لَعَلَّ اللَّهَ يَمْلَأُ صَدْرِي انْشِرَاحًا وَ فَمِي بِالْبَسْمَاتِ. (۰/۵) ي) نُحَدِّثُ الطُّلَابَ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ (ع) وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ تَحْدِيثًا. (۰/۷۵) ك) لِمَ تُكْرِمُونَ لَتِيْمًا إِكْرَامَ الْكِبَارِ؟ (۰/۵)				۷
۷	اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجُمَةِ: الف) لَا يَبَاسُ الْمُؤْمِنُونَ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ. (۱) مؤمنان از رحمت خداوند ناامید نمی‌شوند. ب) الْحَوْتُ يُصَادُّ لِاسْتِخْرَاجِ الزَّيْتِ مِنْ كَبِدِهِ. (۲) نهنگ را برای بیرون آوردن روغن از کبدش شکار می‌کنیم.				۰/۵
۸	كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: الف) وُلِدَ الْفَرَزْدَقُ عَامَ ثَلَاثَةِ وَ عِشْرِينَ بَعْدَ الْهِجْرَةِ. ب) الزَّرَافَةُ بِكَمَاءٍ لَيْسَتْ لَهَا أَحْبَالٌ صَوْتِيَّةٌ. فرزدق در سال هجری زرافه، است و صوتی ندارد.				۱

ردیف	سؤالات	نمره
٩	تَرْجِمِ الأفعال التالية: «ساعد: کمک کرد» الف) أَحَبَّتِي سَاعِدُونِي فِي كِتَابَةِ تَمَارِينِي. (ب) سَاعِدِ الْمِسْكِينَ الَّذِي لَا نَاصِرَ لَهُ. ج) قَدْ سَاعَدْتُ حَبِيبِي فِي جَمْعِ مَحْصُولِ مَزْرَعَتِهِ. «طَبَخَ: پخت» د) لِأَطْبِخْ طَعَاماً لِلْأُسْرَةِ. (هـ) لِمَ لَا تَطْبُخِينَ طَعَاماً لِلضُّيُوفِ؟ (و) طَبَخْتُ أَغْذِيَةً لَذِيذَةً. «سَجَدَ: سجده کرد» ز) مَا سَجَدَ إِبْلِيسُ لِآدَمَ. (ح) لَنْ يَسْجُدَ الْكَافِرُونَ لِلَّهِ.	٢
١٠	إِبْحَثْ عَنْ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ فِي الْجُمْلِ: يَذْهَبُ الصَّيَّادُونَ الْإِفْرِيقِيُّونَ لِصَيْدِ سَمَكٍ عَجِيبٍ. يَوْمَ الْقَدْلِ عَلَى الطَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجَوْرِ عَلَى الْمَظْلُومِ. يَشْتَدُّ الِازْدِحَامُ أَمَامَ الْمَلَاعِبِ. الف) اسم المفعول (ب) اسم المكان (ج) اسم الفاعل (د) اسم التفضيل (هـ) اسم المبالغة ترجم الكلمات التي تحتها خط: و) أضاف العقاد إلى المكتبة العربية أكثر من مئة كتاب. (ز) لم تحفرون التراب الجاف؟	٢
١١	مَيِّزْ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ: جَلَسْتُ أَخَوَاتِي بَيْنَ الشَّجَرَتَيْنِ إِلَّا فَاطِمَةَ. - وَصَلَ الْمُسَافِرَانِ إِلَى الْمَطَارِ مُتَأَخِّرِينَ وَلَكِنَّمَا زَكَبَا الطَّائِرَةَ. - أَنْشَدَ الْفَرَزْدَقُ هَذِهِ الْقَصِيدَةَ إِنْشَاداً رَائِعاً. الف) الحال (ب) المُسْتَنَى مِنْهُ (ج) المُسْتَنَى (د) المفعول المُطْلَق (هـ) نوع المفعول المُطْلَق	١/٢٥
١٢	عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خُطٌّ: الف) بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ (ع) وَحِيداً فَحَمَلَ قَاساً وَكَشَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ. ب) يَقْدُرُ هَذَا الْحَيَوَانُ اللَّبُونُ عَلَى الطَّيْرَانِ.	١/٢٥
١٣	عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) (التَّكَبَّرُ / يَطْرُقُ / التَّوَاضُّعُ / يَطُوفُ) الف) الْحُجَّاجُ مَرَّاتٍ حَوْلَ بَيْتِ اللَّهِ لِأَدَاءِ مَنَاسِكَ الْحَجِّ. ب) جَعَلَ اللَّهُ آلَةَ الْعَقْلِ فَاعْلَمْ أَنَّ الْحِكْمَةَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْجَبَّارِ.	٥/٥
١٤	إِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ: سَمَكَةُ السَّهْمِ مِنْ أَعْجَبِ الْأَسْمَاكِ فِي الصَّيْدِ. إِنَّهَا تَطْلُقُ قَطْرَاتِ الْمَاءِ مُتَتَالِيَةً مِنْ فَمِهَا إِلَى الْهَوَاءِ بِقُوَّةٍ تُشْبِهُ إِطْلَاقَ السَّهْمِ وَتَطْلُقُ هَذَا السَّهْمَ الْمَائِيَّ فِي أَنْجَاهِ الْحَشَرَاتِ فَوْقَ الْمَاءِ وَعِنْدَمَا تَسْقُطُ الْحَشَرَةُ عَلَى سَطْحِ الْمَاءِ تَبْلُعُهَا حَيَّةً. هُوَ أَسْمَاكِ الزَّيْنَةِ مُعْجَبُونَ بِهَذِهِ السَّمَكَةِ وَكَيِّنَ تَغْذِيَّتَهَا ضَعْفَةً عَلَيْهِمْ لِأَنَّهَا تُجِبُّ أَنْ تَأْكُلَ الْفَرَائِسَ الْحَيَّةَ. الف) كَيْفَ تَبْلُعُ سَمَكَةُ السَّهْمِ الْحَشَرَةَ الْوَاقِعَةَ عَلَى سَطْحِ الْمَاءِ؟ (ب) مَتَى تَبْلُعُ سَمَكَةُ السَّهْمِ الْحَشَرَةَ؟ ج) مَنْ يُحِبُّونَ سَمَكَةَ السَّهْمِ كَثِيراً؟ (د) لِمَاذَا تَكُونُ تَغْذِيَةُ سَمَكَةِ السَّهْمِ مِنَ الْأُمُورِ الصَّعْبَةِ؟	١
١٥	عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَالْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ: «عَلَّمْتُ أَوْلَادِي الْقُرْآنَ تَعْلِماً جَيِّداً». الف) عَلَّمْتُ: ١) الفعل الماضي «ليس له حرف زائد»، معلوم / فعل و الجملة فعلية ٢) الفعل الماضي، للمتكلم وحده / فعل و مع فاعله جملة فعلية ب) تعليماً: ١) اسم، مفرد، مذكور، وزنه: «تفعيل»، نكرة / مفعول مطلق ٢) اسم، مفرد، حروفه الأصلية «ع ل م»، معرفة / حال	٥/٥
٢٠	موفق باشيد.	

مثال: «يَخْرُجُ الرِّجَالُ المِضْيَافُونَ مع ضُيُوفِهِمْ إِلَى بابِ الدَّارِ.» (ج) لا تَغْضَبُ (ص ۱۲) (۷/۲۵) - در جای خالی باید فعل نهی از صیغه مفرد مذکر مخاطب «لا تَغْضَبُ» بیاید؛ زیرا اسم مفرد مذکر «شَاب» مورد خطاب قرار گرفته است. (د) ما ذُكِرَا (ص ۱۲) (۷/۲۵) - در جای خالی باید فعل ماضی منفی از صیغه مثنی مذکر غائب «ما ذُكِرَا» بیاید؛ زیرا این فعل درباره اسم مثنی مذکر «أَخَوَانِ» آمده است. - **نکته:** هرگاه اسم مثنی، مضاف واقع شود: «ن» آخر آن حذف می‌شود. **مثال:** «أَخَوَانِ + ضمیر متصل (لَکَ) = أَخَوَاکَ» دو برادرت

۱۱ الف أَصْغَرَ (ص ۴) - **نکته:** اسم تفضیل در حالت مذکر بر وزن «أَفْعَل» می‌آید. **مثال:** «أَصْغَرُ: کوچک‌ترین.» (ب) الْمَدْرَسَةُ (ص ۱۵) - «الْمَدْرَسَةُ: مدرسه» اسم مکان بر وزن «مَفْعَلَة» است.

«عَشٌّ: لانه» و «صَالَةً: سالن» اسم مکان نیستند؛ زیرا بر وزن اسم مکان نیامده‌اند. (ج) مَفْتَرَسًا (ص ۱۵) - **نکته:** اسم فاعل از فعل ثلاثی مزید «فعل» بیش از سه حرفی، از فعل مضارع از صیغه مفرد مذکر غائب ساخته می‌شود. در این حالت، حرف «مَ» جایگزین حرف مضارعه می‌شود و دومین حرف از حروف اصلی فعل، کسره «ی» می‌گیرد. **مثال:** «مَفْتَرَس» اسم فاعل از «يَفْتَرِسُ» به معنای «شکارچی، درنده» است. (د) مَكْسُورٌ (ص ۱۵) - **نکته:** اسم مفعول از فعل ثلاثی مجزء «فعل فقط سه حرفی» بر وزن «مَفْعُول» ساخته می‌شود. **مثال:** اسم مفعول از فعل «كَسَرَ» به صورت «مَكْسُور» می‌آید. (ه) بَدَتِ (ص ۸) - **نکته:** اسم تفضیل بر مفهوم برتری دلالت دارد و در حالت مذکر بر وزن «أَفْعَل» می‌آید. **مثال:** «أَسْوَأُ: بدتر». - **نکته:** هرگاه پس از اسم تفضیل، حرف جرّ «مِنْ» بیاید (أَفْعَلٌ مِنْ...)، معنای «برتر» دارد. **مثال:** «لَا سَوْءَ أَسْوَأُ مِنْ الْكَذِبِ: هیچ بدی، بدتر از دروغ‌گویی نیست.» (و) تَقْدِیْنِدْگَانِ (ص ۱۲) - «تَقَاد» جمع مَكْسَر و اسم فاعل به معنای «تقدکنندگان» است. - **نکته:** در جمله‌های مَكْسَر برای تشخیص وزن آن‌ها باید به مفرد آن‌ها مراجعه کرد. تَقَاد: مفرد ناقد، اسم فاعل. (هر مورد ۷/۲۵)

۱۲ ۲ (ص ۵ و ۴) (۷/۲۵) - در گزینه (۲)، «لَيْتَ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «کاش» است و برای بیان آرزو به کار رفته است. - در گزینه (۱)، «إِنْ» ادات شرط به معنای «اگر» است. در گزینه (۳)، «أَنْ» در «أَنْ أَصَفَ» از حروف ناصبه به معنای «که» است که بر سر فعل مضارع «أَصَفَ» آمده است. در همین گزینه «لَکُنَّ» به معنای «برای شما» است و نباید آن را با «لَکِنْ: ولی» که از حروف مشبّهة بالفعل است، اشتباه بگیریم. ای دوستانم می‌خواهم که برای شما جشنی خانوادگی را توصیف کنم که هرگز آن را فراموش نخواهم کرد.»

۱۳ ۳ (ص ۸) (۷/۲۵) - **نکته:** «لَا» ی نفی جنس بر سر اسم می‌آید و وجود چیزی را به صورت کامل نفی می‌کند. فراموش نکنیم که بعد از «لَا» ی نفی جنس اسمی می‌آید که نه «ال» دارد و نه «تَنوین» و حرکت فتحه «ـَ» دارد. در گزینه (۲)، «لَا» در «لَا حَاجَةَ لَهْ» از نوع لای نفی جنس می‌باشد و «لَا حَاجَةَ لَهْ» به معنای «هیچ نیازی ندارد» می‌باشد.

در گزینه (۱)، «لَا» در «لَا يَتَّبِعِدُوا» از نوع «لَا» ی نفی مضارع است. در گزینه (۲)، «لَا» در جواب کلمه پرسشی «هَلْ» آمده است. - **نکته:** هرگاه میان حروف «أَنْ، كَي، لَکَي، حَتَّى» و فعل مضارع، حرف «لَا» بیاید؛ از نوع لای نفی مضارع می‌باشد. **مثال:** «لَا يَتَّبِعِدُوا = أَنْ لَا يَتَّبِعِدُوا: که دور نشوند» - **نکته:** هرگاه پس از حرف «أَنْ» فعل مضارع بیاید؛ فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. **مثال:** «لَا يَتَّبِعِدُوا = أَنْ لَا يَتَّبِعِدُوا: که دور نشوند»

۱۴ الف إِنَّ - «إِنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «همانا» است و ابتدای جمله می‌آید و جمله را تأکید می‌کند. **مثال:** «إِنَّ المَصَاعِبَ کَالثَّارِ تَقْوِي إِرَادَتَکَ: همانا گرفتاری‌ها مانند آتش است که اراده تو را قوی می‌کند.» (ب) لَعَلَّ - **نکته:** «لَعَلَّ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «شاید، امید است» می‌باشد و برای بیان امید به کار می‌رود. **مثال:** «لَعَلَّ حَامِدًا يَحْفَظُ هَذِهِ الجَمَلَاتِ الذَّهَبِيَّةَ: شاید حامد این جملات طلائی را حفظ کند.» (ج) لَا - در جای خالی باید «لَا» ی نفی جنس بیاید «با خردمندانی همنشینی می‌کنم که هیچ علاقه‌ای به دروغ گفتن ندارند». فراموش نکنیم که بعد از «لَا» ی نفی جنس اسمی می‌آید که نه «ال» دارد و نه «تَنوین». (ص ۱۵) (هر مورد ۷/۲۵)

۱۵ الف لای نفی مضارع - **نکته:** حرف «لَا» منفی کننده فعل مضارع است و تغییری در انتهای فعل مضارع ایجاد نمی‌کند. **مثال:** «لَا أَسَافُرُ: سفر نمی‌کنم». (ب) لای نفی جنس - «لَا» در «لَا فَضْلَ» از نوع لای نفی جنس است «ثروتمند بر نیازمند هیچ برتری ندارد». فراموش نکنیم که بعد از لای نفی جنس اسمی می‌آید که نه «ال» دارد و نه «تَنوین». (ج) لای نفی - «لَا» در «لَا تَجْتَنِبُ» از نوع لای نفی است. - **نکته:** برای ساختن فعل نهی، «لای نفی» را بر سر فعل مضارع می‌آوریم و آخر فعل را ساکن می‌کنیم و «ن» آخر فعل را به جز در صیغه جمع مؤنث حذف می‌کنیم. **مثال:** «لای نفی + تَجْتَنِبُ = لَا تَجْتَنِبُ: نباید پرهیز کنیم». - **نکته:** فعل نهی در صیغه‌های غائب و متکلم به صورت «نبايد + مضارع التزامی» ترجمه می‌شود. **مثال:** «لَا تَجْتَنِبُ: نباید پرهیز کنیم» (ص ۷ و ۸) (هر مورد ۷/۲۵)

۱۶ المساکین: مفعول / مِمَّا: جار و مجرور (ص ۱۲) (هر مورد ۷/۲۵) - **نکته:** مفعول در جمله فعلیه، معمولاً پس از فاعل می‌آید و کار بر آن انجام می‌شود. مفعول در ترجمه معمولاً همراه با حرف اضافه «را، به، برای، از، با...» می‌آید. «المساکین» مفعول است و در ترجمه همراه با حرف اضافه «به» می‌آید «به درماندگان خوراک ندهید». - **نکته:** به ترکیب حرف جرّ و اسم پس از آن، جازر و مجرور می‌گویند. **مثال:** «مِنْ + ما = مِمَّا: جار و مجرور»

۱۷ الف ۱ - «يَنْزِلُ» فعل مضارع از صیغه مفرد مذکر غائب و فعل فقط سه حرفی است و هرگز مصدر آن بر وزن «تَفْعِيل» و به صورت «تَنْزِيل» نمی‌آید. (ب) ۲ - «الْمَطْرُ» فاعل و انجام‌دهنده کار است «باران بر مردم فرود می‌آید». - **نکته:** فاعل، انجام‌دهنده کار یا دارنده حالت است و همواره پس از فعل در جمله می‌آید. (ص ۱۵) (هر مورد ۷/۲۵)

۱۸ الف الجائِعُ (ص ۱۵) - کودک «گرسنه» به دنبال غذا است. (ب) الصَّرَاعُ (ص ۳) - هدف پیامبران از «کشمکش» با مردمان کافر خود، هدایت کردن آن‌ها بود. دو کلمه «الْقَرِيصَةُ: شکار» و «الشَّعَائِرُ: مراسم» اضافی هستند. (هر مورد ۷/۲۵)

۱۹ ترجمه متن درک مطلب: حضرت ابراهیم (ع)، پدر پیامبر خدا اسماعیل (ع) و پیامبر خدا اسحاق (ع) است، و اسحاق (ع) پدر پیامبر خدا یعقوب (ع) است. خداوند حضرت ابراهیم (ع) را به سوی قومش در عراق فرستاد. آن‌ها بُت‌ها و ستاره‌ها و چیزهایی را که به عبادت کننده‌های آن‌ها سود نمی‌رساند، عبادت می‌کردند. پدر ابراهیم (ع) بُت‌ها را برای مردم می‌ساخت تا آن‌ها را عبادت کنند. الف) ابراهیم (ع) - چه کسی پدر بزرگ پیامبر خدا یعقوب (ع) بود؟ حضرت ابراهیم (ع). ب) لا، لا - ما کانت الأصنام تنفع قومَ إِبْرَاهِيمَ (ع). - آیا بُت‌ها به قوم حضرت ابراهیم (ع) سود می‌رساندند؟ خیر «خیر، بُت‌ها به قوم حضرت ابراهیم (ع) سود نمی‌رساندند». ج) فی العراق - قوم حضرت ابراهیم (ع) کجا زندگی می‌کردند؟ در عراق (د) ۱ - گزینه صحیح را درباره پدر حضرت ابراهیم (ع) مشخص کن: **گزینه (۱):** او سازنده بُت‌ها بود. (صحیح) **گزینه (۲):** او از پیامبران (ص) بود (غلط). (ص ۱۳) (هر مورد ۷/۲۵)

پاسخ آزمون (۳) - درس دوم

۱ الف قَلَّه (ص ۲۰) (ب) عجیب‌ترین (ص ۳۰) (ج) بی‌درپی (ص ۳۰) (د) تعمیرکار (ص ۲۵) (هر مورد ۷/۲۵)

۲ الف إِسْتَطَاعَ = قَدَّرَ (ص ۱۷) - «إِسْتَطَاعَ» و «قَدَّرَ» با هم مترادف و به معنای «توانست» هستند. (ب) يَصْعَدُ ≠ يَنْزِلُ (ص ۲۰) - «يَصْعَدُ: بالا برود» و «يَنْزِلُ: پایین برود» با هم متضاد هستند. (ج) الشَّابُّ ≠ العَجُوزُ (ص ۲۳) - «الشَّابُّ: جوان» و «العَجُوزُ: پیر» با هم متضاد هستند. (هر مورد ۷/۲۵)

۳ ۲ - «الْمِلْفَتُ» (ص ۲۶) (۷/۲۵) - «الدَّم: خون»، «العَظْم: استخوان» و «اللَّحْم: گوشت» با هم ارتباط معنایی دارند؛ اما «الْمِلْفَتُ» پرونده» از نظر معنایی ارتباطی با سایر کلمات ندارد.

۴ الف الْقِمَمِ (ص ۲۰) (ب) الْحَاجَّ (ص ۱۸) - **نکته:** دقت شود که مفرد «الْحَاجَّاج» در عربی «الحاج» است و واژه «حاجی» فارسی است و در عربی بکار نمی‌رود. (هر مورد ۷/۲۵)

۱۰ الف ضعیفاً: حال / انسان در حالت ناتوانی آفریده شد. (ص ۲۳) (۰/۵) - نکته:

مفعول در جملات فعلیه نقش اصلی و حال نقش تکمیلی جمله است و در این جمله فعل «جَلَسَ» مجهول است و از آنجا که جملات مجهول، مفعول ندارند پس «ضعیفاً» حال است. (ب) هُوَ يَجُزُّ: جمله حالیه / دوستش آمد در حالی که ماشینی را با تراکتور می کشید. (ص ۲۳) (۰/۵) - نکته: گاهی حال به صورت یک جمله اسمیه همراه با واو حالیه و به دنبال آن یک ضمیر می آید. در این عبارت، فعل جمله حالیه مضارع است و با توجه به فعل ماضی جمله قبل به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود.

۱۱ الف اُولی (ص ۲۰) - اسم تفضیل برای مذکر بر وزن «أفعل» و مؤنث بر وزن «فعلی» است. در این عبارت «أولی» اسم تفضیل مؤنث و مذکر آن «أول» است. (ب) مَوْقِف (ص ۲۵) - اسم مکان بر وزن «مَفْعَل»، «مَفْعِل» و «مَقْلَعَة» است. (ج) خَابِسراً (ص ۱۳۱) - در ثلاثی مجرد اسم فاعل بر وزن «فَاعِل» است. (د) الْمَكْرَمَة (ص ۱۸) - نکته: اسم مفعول از فعل ثلاثی مزید «فعل» بیش از سه حرفی، از فعل مضارع از صیغه مفرد مذکر غائب ساخته می شود. در این حالت، حرف «م» جایگزین حرف مضارعه می شود و دومین حرف از حروف اصلی فعل، فتحه «ت» می گیرد. (ه) السَّيَّارَة (ص ۲۵) - اسم مبالغه بر وزن «فَعَال» و «فَعَالَة» است. اسم مبالغه می تواند علاوه بر صفت به شغل، ابزار، وسیله و دستگاه نیز دلالت داشته باشد. (و) کشاورز / بسیار صبور / مورد احترام (ص ۲۵) - واژه «المزارع» را اگر با فتحه حرف میم «المزارع» بخوانیم جمع مکسر «المزرعة» و اسم مکان و به معنی «مزرعه ها» است ولی اگر با ضمه حرف میم «المزارع» خوانده شود مفرد مذکر و اسم فاعل و به معنی «کشاورز» است. در این عبارت با توجه به اسم اشاره «هذا» که مفرد مذکر است پس «المزارع» اسم فاعل و به معنی «کشاورز» است. «صَبَّارٌ» اسم مبالغه است و اسم مبالغه اگر صفت باشد و شغل و ابزار نباشد با پیشوند «بسیار ...» ترجمه می شود.

«مُحْتَرَمٌ» اسم مفعول است و اسم مفعول با پسوند «... شده» و یا پیشوند «مورد ...» ترجمه می شود. (هر مورد ۰/۲۵)

۱۲ گزینه (۱) (۰/۲۵) - در این جمله «مَكْسَرَةً» نکره و حالت «أصنام» را بیان می کند. (هنگامی که مردم برگشتند، بت های خود را شکسته دیدند) ولی در گزینه (۲) «المسرورین» معرفه است و نمی تواند حال باشد و در اینجا صفت است. (گروهی از تماشاچیان خوشحال را مقابل ورزشگاه دیدم)

۱۳ الف المَعْطَلَة (خراب شده) / ماشین خراب پدرم را به تعمیرگاه بردم. (ب) دموع (اشک ها) / هنگامی که تصویر شهدا را در تلویزیون می بینم اشک هایم بر چشمانم جاری می شود. (ج) الأقرباء (خویشاوندان) / هنگام بیماری های سخت گاهی به خویشاوندان پناه می بریم. دو کلمه باقی مانده (ذائقة: چشیده و المحافضة: استان) مناسب جملات نیست. (هر مورد ۰/۲۵)

۱۴ الف جَلَسَتْ - در صورتی که «أصبحت» در جای خالی باشد «مظلومه» خبر فعل ناقصه خواهد شد و در صورتی که «سَاعَدَتْ» در جای خالی باشد «مظلومه» مفعول می شود. ولی «جَلَسَتْ» فعل لازم است و «الطالبة» فاعل و «مظلومه» حال است. (ص ۲۲) - ترجمه: أصبحت الطالبة مظلومة: دانش آموز مظلوم شد. سَاعَدَتْ الطالبة مظلومة: دانش آموز یک مظلوم را یاری کرد. جَلَسَتْ الطالبة مظلومة: دانش آموز مظلومانه نشست. (ب) وَهُمْ يَجْمَعُونَ الْمَحَاصِلَ (الگوی جمله حالیه حتماً «واو» به همراه یک ضمیر منفصل می باشد) (ص ۲۴) (ج) ماشياً - «الطالب» مرجع حال و مفرد مذکر است، پس حال «فرحة» که مؤنث است صحیح نیست. ضمناً «و هو مسروراً» جمله حالیه و یک جمله اسمیه است که «هو» مبتدا و «مسرور» خبر است و باید مرفوع باشد. (ص ۲۴) (هر مورد ۰/۲۵)

۱۵ الف الْمُحْسِنُ: فاعل / ختياً: حال (ص ۳۱) (ب) الخطر: مضاف الیه (ص ۳۰) (هر مورد ۰/۲۵)

۱۶ الف گزینه (۱) - در گزینه (۲) مجهول اشتباه است. حرکت عین الفعل در فعل مجهول فتنه است. (ب) گزینه (۲) - در گزینه (۱) معرفه و صفت غلط است. (هر مورد ۰/۲۵)

۵ الف ۳ «القطار» (ص ۱۸) - «فروگاه»، مکانی است برای پرواز کردن هواپیماها در کشور (ترجمه سایر کلمات به ترتیب: تلویزیون، چادرها) (ب) ۱ «الإنسان» (ص ۲۶) - «دندان ها»، عضوی از اعضای بدن که در دهان ما واقع است. (ترجمه سایر کلمات به ترتیب: شانه ها، چشم ها) (هر مورد ۰/۲۵)

۶ الف پروردگارا، به ما در دنیا و در آخرت نیکی بده. (ص ۲۷) (۰/۵) (ب) ای نفس آرام، با خشنودی (خود) و رضایت (خدا) به سوی پروردگارت بازگرد. (ص ۲۴) (ج) هر که گناه کند در حالی که می خندد، وارد جهنم می شود در حالی که گریه می کند. (ص ۳۱) (۰/۵) (د) قطعاً خداوند اولین آیات قرآن را بر پیامبر در غار حرا نازل کرد. (ص ۲۰) (۰/۵) (ه) علاقمندان ماهی تیرانداز شیفته این ماهی هستند. (ص ۲۰) (۰/۵) - نکته: «هَوَا» جمع مکسر «هاوی» به معنی «طرفدار، علاقمند» و اسم فاعل است. (و) تراکتور ماشینی است که برای کار در مزرعه به کار گرفته می شود. (ص ۲۵) (۰/۵) - نکته: «تُسَخِّدُ» فعل مضارع مجهول است. (ز) همه مسلمانان هنگامی که حاجی ها را در تلویزیون می بینند، به حج مشتاق می شوند. (ص ۱۹) (۰/۷۵) - نکته: دقت شود در این جمله «کَلَّ» + اسم جمع است و به معنی «همه مسلمانان» است. (ح) گویا پای یکی از تماشاچیان درد می کند در حالی که او نمی تواند به بالای کوه صعود کند. (ص ۲۰ و ۲۳) (۰/۷۵) - نکته: «أعلی» با وجود اینکه اسم تفضیل است ولی گاهی بصورت «بالا» ترجمه می شود. (ط) آیا دیدید غار ثوری که پیامبر (ص) در راه هجرتش به آن پناه برد؟ (ص ۲۰) (۰/۷۵) (ی) زائران با تأخیر به فرودگاه رسیدند و سوار هواپیما نشدند. (ص ۲۳) (۰/۷۵) (ک) خدای من، با لطفت با ما رفتار کن و با عدالت خود با ما رفتار نکن. (ص ۲۹) (۰/۷۵)

۷ الف ۱ (ص ۳۰) - «خَیَّة» در این عبارت حال است و باید در ترجمه حال دقت شود که بین حال و اسم قبل از آن فاصله (یا، به، را، از، در حالی که، ویرگول و ...) باشد. در گزینه (۲) به صورت صفت ترجمه شده که اشتباه است. (ب) ۲ (ص ۲۴) - «هُوَ يَجْمَعُ الْمُحْصُولَ» جمله حالیه است و در ترجمه «در حالی که» می آید. «يَجْمَعُ» فعل مضارع درون جمله حالیه است و چون قبل از آن، فعل ماضی «زَارَيْتُ» ماضی آمده است: لذا «يَجْمَعُ» به صورت ماضی استمراری «جمع می کرد» ترجمه می شود. (هر مورد ۰/۲۵)

۸ الف قوی ترین / با اقتدار (ص ۳۱) - نکته: «أقوی» اسم تفضیل است و با توجه به اسم بعدش به صورت صفت عالی «قوی ترین» ترجمه می شود. «مقتدرأ» در این جمله حال است و به وسیله «با» ترجمه می شود. (ب) به یاد می آورم / عبادت می کرد (ص ۲۰) - نکته: «أَتَذَكَّرُ» فعل مضارع متکلم وحده است و به معنی «به یاد می آورم» است. همچنین «كَانَ ... يَتَعَبَّدُ» با توجه به نکته «کان + مضارع» به صورت ماضی استمراری (عبادت می کرد) ترجمه می شود. (هر مورد ۰/۲۵)

۹ الف خودداری کرده بود - «کان» همراه «قد» و فعل ماضی به صورت ماضی بعید فارسی ترجمه می شود. (ص ۲۸) (ب) خودداری نکنید - نکته: برای ساختن فعل نهی مخاطب، «لای نهی» را بر سر فعل مضارع از صیغه مخاطب می آوریم و آخر فعل را ساکن می کنیم و «ن» آخر فعل را به جز در صیغه جمع مؤنث حذف می کنیم. مثال: «لای نهی + تَمْتَنِعُونَ = لَا تَمْتَنِعُوا: خودداری نکنید» (ص ۲۸) (ج) گاهی خودداری می کنید - «قد» همراه با فعل مضارع به صورت «گاهی + مضارع» و یا «شاید + مضارع التزامی» ترجمه می شود. (ص ۲۸) (د) به یاد نیاوردم، به یاد نیاورده ام - نکته: هرگاه پس از حرف «لَمْ» فعل مضارع بیاید؛ فعل مضارع به صورت «ماضی ساده منفی» یا «ماضی نقلی منفی» ترجمه می شود. مثال: «لَمْ أَتَذَكَّرْ: به یاد نیاوردم، به یاد نیاورده ام» (ص ۲۹) (ه) نباید به یاد بیاورند - برای ساختن فعل نهی غائب، «لای نهی» را بر سر فعل مضارع از صیغه غائب می آوریم و آخر فعل را ساکن می کنیم و «ن» آخر فعل را به جز در صیغه جمع مؤنث حذف می کنیم و در ترجمه نهی غائب از «باید + مضارع التزامی» استفاده می کنیم. مثال: «لای نهی + يَتَذَكَّرُوا = نباید به یاد بیاورند» (ص ۲۹) (و) به یاد بیاورید - «تَذَكَّرُوا» می تواند فعل ماضی یا امر باشد. در این عبارت با توجه به ضمیر متصل مخاطب «کم» در «شبابکم» فعل امر است. (ص ۲۹) (هر مورد ۰/۲۵)